

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصاحبه با دکتر "گیدو هرتس" سفیر سابق المان در تانزانیا
برگردان از: حمید بهشتی
۱۸ فیبروری ۲۰۱۷

«ما حاضر نیستیم حقیقت را دریابیم»



دکتر "گیدو هرتس"

آیا هنوز افریقا را می توان نجات داد؟ سفیر سابق المان در تانزانیا، گیدو هرتس به اروپائیان اخطار می دهد که اینگونه نیندیشند.



آقای دکتر هرتس، آیا برنامه مارشال برای افریقا می تواند این قاره را نجات دهد؟

گیدو هرتس: من اینگونه فکر نمی کنم. این فقط یک کوشش مذبحخانه ایست برای این که با هزینه ها و وسایل بیشتر به همان هدفی دست یابند که از ۵۰ سال پیش با هزینه و وسائل بسیار کوشش کرده اند تا توسعه افریقا را به پیش برند.

آخر به المان نیز از همین طریق کمک شد.

هرتس: المان کشور پیشرفته ای بود که در سال ۱۹۴۵ فقط می باید بازسازی می شد. اما در افریقا ساخت های لازمه وجود ندارند.

پس چطور است که وزیر توسعه المان، گرت مولر می خواهد از این راه عمل کند؟

هرتس: به نظر من این فقط برای این است که کاری کرده باشد – و اساساً به جز نشاندهنده ناتوانی نیست. قصد از این کار پرده پوشی بر این است که اصلاً هیچ راه حلی برای این مسأله وجود ندارد. علاوه بر آن سیاستمداران باید خودی نشان دهند، باید نشان دهند کاری کرده اند. البته خود خانم نخست وزیر به برنامه مارشال با نگاه شک می نگرد.



صادرات اولیه اصلی کشورهای آفریقا

«کمک های توسعه به آفریقا صدمه می زند.»

به خاطر مولر «اگر مسائل آفریقا را همانجا حل نکنیم به خود ما انتقال خواهند یافت.»

هرتس: در این مورد حق با اوست! در حال حاضر ما در آلمان بیش از همه در باره مهاجران سرزمین های عربی بحث می کنیم. اما خطر اصلی از ناحیه آفریقا است. بر اساس تخمین میانگینی ملل متحد در سال ۲۱۰۰ یازده میلیارد انسان بر روی زمین زندگی خواهند کرد. اما به نظر من در واقع تخمین حد اکثری ملل متحد واقعبینانه تر است که بر اساس آن این رقم ۱۶ میلیارد خواهد بود و فقط ۶ میلیارد آن به آفریقا مربوط می شود. برای مقایسه، این قاره اکنون دارای یک میلیارد ساکن است و مثلاً تانزانیا که اکنون ۵۰ میلیون جمعیت دارد، آنگاه دارای ۴۰۰ میلیون سالکن خواهد بود. این در حالیست که زیرساخت های آنجا کفاف نصف جمعیت امروزی را می کنند.

آیا این زیرساخت ها به موازات جمعیت رشد نمی کنند؟

هرتس: بر طبق تجربه من بیش از پیش نیز تکیه می شود. مثلاً تانزانیا در گذشته دارای دو خط آهن فعال بود. یکی از آنها را در دهه ۱۹۷۰ از جانب چینی ها دریافت نمود و دیگری باقیمانده دوران استعمار آلمان است که بعدها از جانب بن تعمیر گشت. امروزه هر دوی این خطوط آهن به درستی کار نمی کنند، استهلاک شده و در برخی جاها از کار افتاده اند.

اما این نشاندهند این است که چقدر کمک به توسعه و گسترش آن دارای اهمیت است.

هرتس: نه درست خلاف آن را نشان می دهد، این را نشان می دهد که به اشخاصی کمک می رساند. اما از رسیدن به هدف اصلی آن که کمک به توسعه این کشورها باشد انحراف دارد.



فقیرترین کشورهای جهان

چطور؟

هرتس: نکته اصلی در اینجا است که افریقا از حکومت ها و ساخت های اجتماعی توانمندی تشکیل نشده است.

«باید بیشتر به منافع المان توجه شود»

این چرا تعیین کننده است؟

هرتس: میان ساخت های «دربرگیرنده» و «محدود کننده» تفاوت قائل می شوند: «دربرگیرنده» بدین معنا که رفاه برای همه فایده دارد. اما «محدود کننده» به این معنا که فقط خواص بهره مند می شوند. کشورهای توانمند دارای ساخت های «دربرگیرنده اند». اما در افریقا اصولاً همه جا ساخت های «محدود کننده» وجود دارند. بدین قرار است که کمک توسعه یا «برنامه مارشال» نمی تواند مؤثر باشد. زیرا «زمینه بازتابی» لازم وجود ندارد. حتا وضعیت معکوس حاکم است: به خاطر ساخت های بلعنده موجود، کمک توسعه خسارت بار است.

این دیگر چرا؟

هرتس: زیرا ساخت های بلعنده را تحکیم می کند. برای توضیح، معمولاً دولتی را که دارای کارآئی ضعیف است مردم برکنار می کنند. اما همین دولت به میمنت کمک توسعه، ناتوانی خود را می پوشاند. زمانی که من در تانزانیا سفیر بودم ۴۰ درصد بودجه سالانه از جهت کمک توسعه تأمین می شد. اما در صورتی که دولت ناصالحی برکنار نشود توسعه در جا می زند – و حتا معکوس هم می شود.

چرا افریقا با وجود منابع سرشاری که دارد به کمک نیاز دارد؟

هرتس: آیا شما اصطلاح «نفرین مواد اولیه» را شنیده اید؟ مواد اولیه به نظر می آید نعمت باشند. اما غالباً نعمت نیستند. چرا؟ برای این که درآمد «حاصل از دسترنج و کار» نیست. بدی آن از چه جهت است؟ می دانیم که بهای کالاهای محصول دسترنج و کار برابر است با هزینه تولید آنها، هزینه بازار و سودی که روی آن می کشند. اما در مورد مواد اولیه هزینه تولید نسبتاً کم است، در حالی که بهای آنها در بازار غالباً بالاست. در نتیجه سود حاصله زیاد است. اما این سود با توجه به این که محصول کار واقعی نیست به کی می رسد؟ این است که منجر به تقسیم رقابتی این سود گشته و غالباً موجب فساد و تلاشی ساخت های موجود می گردد. اما این چه ربطی به کمک توسعه دارد؟ پاسخ این که تأثیر آن قابل مقایسه است. زیرا آن نیز «درآمدیست که محصول دسترنج و کار نیست». اینست که کمک توسعه نیز می تواند فساد انگیز باشد. فساد می تواند در چارچوب فعالیت های توسعه ای دولتی صورت گیرد. مثلاً دولت تانزانیا در زمان سفیر بودن من به هر یک از نمایندگان مجلس یک خودرو صحرایی به بهای ۸۰ هزار یورو هدیه کرد و علاوه بر آن برای هزینه مسافرت های اداری آنها نیز روزانه مبلغی پرداخت نمود. این با توجه به این که بودجه این حکومت ها به نسبت بالایی از جهت کمک های دریافتی تأمین می گردند بدین معنا است که کشورهای دریافت کننده، این کمک ها را خودسرانه بین یاران خود تقسیم کرده و آنها را ارضاء می نمایند.

یعنی باید کمک توسعه را حذف نمود؟

هرتس: نه حتماً. اما باید ما سرانجام دریابیم که کمک توسعه به هدف مطلوب نمی رسد. دوم این که غرب نمی تواند کار توسعه آفریقا را سامان دهد. زیرا این به پول ما ربطی ندارد. بلکه مربوط به فقدان ساخت های بنیادین اکثر کشورهای آن قاره است. سوم این که ما باید این را بپذیریم که نتیجه کمک توسعه دهه های گذشته، بهبودی وضع کشورهای دریافت کننده نبوده و به همین جهت ما باید جهت گیری تازه ای را اختیار کنیم: و اگر می خواهیم به لحاظ مالی به آنها کمک کنیم، می باید بیشتر به منافع المان توجه کنیم.

به چه صورت؟

هرتس: مثلاً از طریق کمک مالی به کشورهایی که مهاجرت به اروپا را ترمز می کنند – به معنی «زوجیت مهاجرتی».

آیا این کار ما را از موج ناشی از رشد جمعیت آفریقا محفوظ می کند؟

هرتس: نه. اما بدین صورت دستکم پولی که هزینه می کنیم کاملاً بی فایده نمی ماند.

«ما نمی توانیم با علل گریز آنها مبارزه کنیم»

بسیاری از همکاران دیپلمات شما به «فراخوان بُن» اقدام نمودند. و این اقدام نیز از متوقف نمودن کمک توسعه حمایت می کند. اما پیشنهادات دیگری را برای کمک به آفریقا نیز در بر دارد.

هرتس: من این را می دانم. اما خلاف امضاء کنندگان فراخوان بُن، خوش بین نیستم. زیرا آنها نیز برای مشکل اصلی گفته شده پاسخی ندارند. هر که بخواهد در آفریقا هدفی را دنبال کند خواه ناخواه به این مشکل برخورد می کند و تا زمانی که آن حل نشده باشد، هر کار دیگری اصلاً بی فایده است.

اما در آفریقا کشورهای نیز هستند که نسبتاً موفقیت دارند - از جمله بتسوانا، موزامبیک، غنا یا رواندا.

هرتس: شناخت من از این کشورها کمتر از آن است که با توجه به جزئیات اظهار نظر کنم. اما بر اساس تجربیاتم بدین آوای دهل از دور اعتمادی ندارم. من اطمینان دارم که هر کس با دقت بنگرد تشخیص خواهد داد که شرایط آن کشورها نیز اصولاً تفاوتی ندارد و: آن کشورها نیز به دریافت کمک های توسعه وابسته اند، یعنی با تکیه بر پای خود موفق نمی شوند.

پس ما چگونه باید با «علل گریز» مبارزه کنیم؟ هر چه باشد این محور سیاست دولت المان در قبال پناهجویان است.
هرتس: حقیقت این است که ما اصلاً نمی توانیم با آن مبارزه کنیم. و این مبارزه اثرمند نمی تواند باشد.

پس چرا خانم صدر اعظم قول آن را می دهد؟

هرتس: من فکر می کنم منشای آن وزارت همکاری های اقتصادی یا دوایر مربوط بدان باشند و آنها بیشتر به موفقیت های جزئی خودشان توجه دارند تا به اوضاع کلی نوید کننده آنجا. به او احتمالاً همان برداشت متوجه به منافع المان را منتقل نموده اند که شاغلان کمک توسعه در آنجا دارند. طبیعتاً آنها نمی گویند: «آنچه ما در اینجا انجام می دهیم اساساً بیهوده است». طبیعی است که این اشخاص به مفید بودن پروژه هائی که انجام می دهند باور دارند و به همین جهت نیز تصویر زیباتری را ارائه می دهند.

در راستای ریاست ما در گروه ۲۰، خانم نخست وزیر قصد دارد در ماه جولای کنگره «زوحیت با آفریقا» را در برلین برگزار نماید. از آن چه انتظاری می توان داشت؟

هرتس: متأسفانه بیش از هر چیز ادعاهای پوچ. و از آنجا که شما در مورد مبارزه با علل گریز سؤال کردید: آیا می خواهید در این باره بی پرده نظر مرا بشنوید؟

خواهش می کنم!

هرتس: یکی از علل اساسی، خانم مرکل است. زیرا با توجه به تحولات جمعیتی در جهان سوم مسؤلانه نیست که اینگونه دعوت ها را که او کرد در جهان منتشر نمود.

پس سرنوشت «فرهنگ خوش آمدید» چه می شود؟

هرتس: من فکر می کنم در این باره رئیس جمهور جدید امریکا در مصاحبه ای که با روزنامه (المانی) بیلد داشت همه چیز را گفته است. وی گفت که آن «اشتباهی فاجعه بار» است.

«ما زمانی عکس العمل از خود نشان می دهیم که بسیار دیر شده است».

آیا شما بالاخره این را می خواهید بگویند که به آفریقا نمی توان کمک نمود؟

هرتس: بله، من این هراس را دارم، نه به خاطر این که آفریقابرای من مهم نیست، بلکه به این خاطر که واقعیت ها گویای آن هستند. اما ما نمی خواهیم آن را بپذیریم، زیرا ما از دریافت این حقیقت وحشت داریم. در حالی که این رویکرد اثر مثبت نداشته و وضع را بدتر هم می کند.

به چه صورت؟

هرتس: ما زمانی عکس العمل از خود نشان می دهیم که خیلی دیر شده است.

به چه معنی؟

هرتس: نویسنده مشهور، آسفا و سن آسیرانه به تازگی کتابی منتشر ساخته است تحت عنوان «مهاجرت دسته جمعی اخیر» با این تیتر دوم: «هر که قصد حفظ اروپا را دارد باید افریقا را نجات دهد». در این مورد کاملاً حق با اوست.

اما اگر افریقا به طوری که شما می گوئید قابل نجات نیست ...؟

هرتس: این وضعیت آتی است که باید اصولاً در باره اش فکر کنیم، به جای این که خود را به تقلای بیهوده ای مشغول کنیم که ما را از مشکل اصلی منحرف می کند.

آیا باید این نتیجه را گرفت که تنها شانس باقی مانده قلعه اروپاست؟

هرتس: من این نتیجه گیری را به سیاستمداران و شرکت کنندگان در انتخابات محول می کنم.

«کمک واقعی به استعمار منجر می شود.»

اما آیا ما می توانیم افریقا را تنها بگذاریم؟ و آیا به خاطر استعمار هم که شده ما نسبت به این قاره مسؤول نیستیم؟

هرتس: این سخن آخر به نظر من جز عذر بدتر از گناه نیست. همکار من فولکر زایتس بدین اشاره کرده است که در پایان دوران استعمار در برخی از کشورها حتی شرایط بهتری از امروز حاکم بوده است. برخی از کشورهای استعمارگر حتی زیرساخت های فزینی خوبی را به جای نهادند، ادارات منظم و اساساً نظام فعالی را که دارای بنیادهای سیاسی بودند. برخی از مستعمرات آنزمان حتی دارای وجوه مالی در خارج بوده و درآمد سرانه بیشتری از بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا در حال حاضر داشتند. هیچ کدام از اینها باقی نمانده است. اگر افریقا از زمان پایان جنگ جهانی دوم زمانی قربانی شمال بوده است مربوط به دوران جنگ سرد می شود. زیرا آن زمان، هم غرب و هم شرق به هر رژیم فاسدی کمک می کردند به شرط این که به بلوک آنها وفادار می بود و کمک توسعه نیز موفقیت آمیز نبوده و نیست. زیرا درست است که با مرگ و میر مادران و اطفال آنها با موفقیت مبارزه نمود، اما از این که محیطی برای کنترل زایمان به وجود آورد، غافل شد. انفجار جمعیت در افریقا یا تحول آب و هوا – که در باره آن اصلاً سخنی نگفتیم – عمدتاً موجب فاجعه ایست که در انتظار افریقا است.

آیا شما هیچ راه امیدی نمی بینید؟

هرتس: تنها طرح کمکی که تا حدی مرا قانع می کند، راه مرحوم روپرت نویدک است که طبق آن هر کشور غربی یک زوجیت توسعه را با یک کشور افریقائی برگزیده و آغاز نماید. اما این پذیرش را برخی می توانند به استعمار نو توجیه نمایند. و این را نه برگزیدگان افریقا حاضر اند بپذیرند – که در اینصورت منافع خود را از دست خواهند داد و نه این که نزد ما غربیان از حمایت اکثریت برخوردار می شود.

برای مقایسه معادل المانی نامها و اصطلاحات به کار رفته در این ترجمه اینجا به جدول ذیل توجه نمایند:

Spezielle Begriffe in der Übersetzung de-fa ۴
Wir wollen die Wahrheit nicht sehen, Junge Freiheit- 10.02.2017

Marshalplan	برنامه مارشال	۱
inklusive	دربرگیرنده	۲
exklusiv	محدود کننده	۳
Resonanzboden	زمینه بازتابی	۴
Extraktive Struktur	ساخت بلعنده	۵
Rohstofffluch	نفرین مواد اولیه	۶
erarbeitet	حاصل دسترنج و کار	۷
Entwicklungspartnerschaft	زوحیت توسعه	۸
Willkommenskultur	فرهنگ خوش آمد گوئی	۹

برنامه مارشال کوشش همه جانبه ای بود برای بازسازی المان پس از جنگ جهانی دوم از جانب امریکا

دکتر گیدو هرتس ابتداء معاون سفیر المان در تانزانیا بود – با محور سیاست توسعه. سپس از ۲۰۰۸ سفیر المان در تانزانیا و از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ در قزاقستان. علاوه بر آن سرکنسول در کونیگزبرگ و بازرس وزارت امور خارجه. وی از ۱۹۹۵ مشاور فراکسیون دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی در مجلس المان بود. در سال ۱۹۹۸ صدر اعظم وقت المان، هلموت کهل او را در نقش رئیس دفتر روابط خارجی و معاون بین المللی حزب دموکرات مسیحی برگزید. همین نقش را وی تحت رهبری شویبله و مرکل نیز ایفا نمود. وی متولد ۱۹۵۰ در شهر هاله بوده و در شپایر رشد کرده است.

به نقل از هفته نامه [یونگه فرایهات](#) در ۱۰ فیرووی ۲۰۱۷